

وقتی می‌گویند شخصیت فیلمت یک آدم خیانتکار است اذیت می‌شوم. فکر می‌کنم آن مرد رفتاری که کرده جهت‌های مختلفی دارد و اگر از زوایای مختلف آن را بررسی کنیم متوجه می‌شویم قضاوت در مورد آن دشوار است.

در نشست خبری فیلم‌های خارجی مراسم گلدن گلوب؛



اصغر فرهادی در نشست خبری فیلم‌های خارجی مراسم گلدن گلوب تاکید کرد نگران بودن معنی خانواده در دنیای مدرن است.

به گزارش اسپادانا خبر، اصغر فرهادی کارگردان «فروشنده» با «تونی اردمان» ساخته مارن آده از آلمان، «نرودا» به کارگردانی پابلو لارائین از شیلی، «او» به کارگردانی پل ورهوفن و «اله‌ها» به کارگردانی هدی بنیامینا محصول فرانسه و قطر در مراسم گلدن گلوب رقابت می‌کند. این پنج کارگردان شنبه شب هجدهم دی ماه در نشست خبری حضور پیدا کردند و علاوه بر پاسخ دهی به سئوالات مجری به پرسش‌های مطرح شده از سوی حاضران در سالن نیز جواب دادند.

بخش‌هایی از این نشست مطبوعاتی که مربوط به پرسش و پاسخ‌های اصغر فرهادی است در ادامه می‌آید:

مثل فیلم پل ورهوفن در ایران هم واکنش‌هایی به «فروشنده» بود و مردم می‌گفتند متجاوز مجازات نمی‌شود، نظر شما چیست آقای فرهادی؟ شما به بخشش اعتقاد دارید؟ نظرتان در مورد بخشش یا مجازات در این مورد چیست؟

این سؤال من است که به خاطر آن فیلم را ساختم. این سئوالی است که من با تماشاگران مطرح می‌کنم تا ببینم جواب آنان در این موقعیت چیست. بارها این را گفته‌ام الان دوره سینمایی که پاسخ دهد تمام شده است و الان زمانی است که سینما سؤال ایجاد کند. تماشاگران این فیلم چه در ایران چه بیرون واکنش‌های متنوعی دارند. خود شما امروز به من مثالی گفتم که این را جاهای دیگر هم شنیده بودم. گفتمی یک تماشاگر فیلم تو را دیده و گفته با آن پیرمرد متجاوز همذات‌پنداری می‌کرد.

در آمریکا هم واکنش مشابه است یعنی با پیرمرد فیلم همذات‌پنداری می‌کنند، اما وقتی از آنان می‌پرسم اگر برای خود شما این اتفاق می‌افتاد چه می‌کردید جواب می‌دهند آن پیرمرد را می‌کشیم.

این سئوالی است که مطرح می‌شود. وقتی خود ما در آن موقعیت قرار می‌گیریم دچار دو راهی می‌شویم. حتی دلمان نمی‌خواهد پلیس آن آدم را قضاوت کند. از اینکه خودمان قضاوت کنیم و خودمان حکم را اجرا کنیم خوشحال می‌شویم. اسم این ترکیب قضاوت و اجرای حکم را انتقام می‌گذاریم. و الان نگاه کنیم به دنیا، همه دنیا در حال انتقام گرفتن از هم هستند حتی در سطح دنیا.

در آثارتان جنبه خوب کارکنهای منفی را هم نشان دهید. در این فیلم هم یک معلم صلح‌طلب عصبانی می‌شود و خشونت به خرج دهد با این وجود احساس نمی‌کنید به قانون برای محافظت از خودمان نیاز داریم؟

ما ناچاریم قانون را بپذیریم و به آن اعتماد کنیم و این حقیقت را فراموش نکنیم که قانون فقط از یک زویه به اتفاق نگاه می‌کند. وقتی یک نفر کسی را می‌کشد قانون تحقیق می‌کند و همه چیز را روی کاغذ می‌نویسد و می‌نویسد در چه تاریخی و

به چه شکلی قتل اتفاق افتاده است. به علت‌ها کاری ندارد به اینکه قاتل چه گذشته‌ای داشته و پدر و مادرش که بود و چه کودکی داشته توجهی ندارد. ما ناچاریم به قانون احترام بگذاریم، اما باید این را در نظر داشته باشیم که قانون نمی‌تواند از زاویه‌های مختلف یک اتفاق را ببیند. ما از طریق قانون هیچ‌گاه به حقیقت نمی‌رسیم.

همه فیلم‌هایتان درباره خانواده است و چند سال قبل گفته بودید که موضوع این فیلم‌ها ربطی به زندگی خانوادگی خودتان ندارد. منبع الهام‌تان چیست؟

اغلب کسانی که فیلم‌های من را دیده‌اند فکر می‌کنند من این تجربیات را داشته‌ام اما باید بگویم من خانواده خیلی خوشبختی دارم و با همسرم ۲۰ سال است زندگی می‌کنیم و خیلی هم خوشبختیم، ولی می‌دانم خانواده مثال کوچکی از دنیای بزرگتر است. در دنیای مدرن آن چیزی که تحت تاثیر قرار می‌گیرد معنی خانواده است. تعریف خانواده عوض شده است و این مرا خیلی نگران می‌کند. هر وقت قلم روی کاغذ می‌گذارم بدون اینکه خواسته باشم در مورد خانواده می‌نویسم.

تو آزادی پل (ورهوفن) را در ساخت فیلمت نداشتی و محدودیت‌های زیادی در فیلمت داشتی، بازیگرانت نمی‌توانستند همدیگر را لمس کنند، اما به خوبی احساسات و رابطه بین آن‌ها درک می‌شد چطور از عهده آن درآمدید؟

بعضی وقت‌ها مشکلات و محدودیت‌ها جلوی کار هنری مثل سنگ و آب است. وقتی جلوی آب سنگ می‌گذاری از راه دیگری می‌رود.

حرف من به معنی تایید مشکلات و محدودیت‌ها نیست اما خود این باعث می‌شود دنبال زبان دیگری برای بیان حرفت بگردی. وقتی در این فیلم وقتی آن زن در خانه خود است طبق قوانین باید روسری سرش باشد اما در واقعیت چنین نیست. آن صحنه‌ای که بانداژ بر سر او هست به این دلیل در داستان قرار دادم و این باعث شد داستان من رنگ دیگری پیدا کند. سانسورچی‌ها از این حرف من خوشحال می‌شوند و فکر می‌کنند و خلاقیت سینماگران به دلیل کار آنان است ولی یک نکته مهم وجود دارد در کوتاه مدت این مشکلات می‌تواند باعث خلاقیت شود اما در دراز مدت خلاقیت را نابود می‌کند به این علت که آن محدودیت‌ها جزو کارکتر فیلمساز می‌شود و خودش به آن آگاه نیست و این خیلی خطرناک‌تر است.

می‌دانیم که «گذشته» را در فرانسه ساختی. وقتی آن را می‌ساختی احساس می‌کردی آزادی فیلمسازان غربی را در فیلمت داری؟

وقتی شما ۴۰ سال در مسیری حرکت می‌کنید راه رفتن‌تان مثل آن مسیر می‌شود حتی اگر در مسیر هموار بروید راه رفتن‌تان مثل قبل است. وقتی به فرانسه رفتم می‌توانستم فیلمی کاملاً متفاوت از کارهای قبلی‌ام بسازم اما چیزهایی در من تبدیل به عادت شده است و نمی‌خواستم خودم را فریب بدهم که آدم دیگری شوم و به همین دلیل همان مسیر قبلی را تغییر داده‌ام.

(پرسش مخاطبان): چه چیزی شما را رغب کرد در مورد خیانت یک مرد میانسال که به نظر می‌رسد زندگی گرمی داشته بپردازید؟

فکر نمی‌کنم فیلمی درباره خیانت ساخته‌ام. خیانت بخشی از داستان است. اگر در این فیلم یا «درباره الی» یا «چهارشنبه‌سوری» بخواهیم در مورد آن رفتار خیلی کلیشه برخورد کنیم می‌گوییم خیانت. اگر این راجع به مردی بود که خیانت کرده نمی‌توانستیم با او همدردی کنیم. من در تمام فیلم‌هایی که از ۱۳ سالگی که فیلم کوتاه می‌ساختم تا الان شخصیتی ننوشته‌ام که با آن نتوانیم همذات‌پنداری کنیم. وقتی می‌گویند شخصیت فیلمت یک آدم خیانتکار است اذیت می‌شوم. فکر می‌کنم آن مرد رفتاری که کرده جهت‌های مختلفی دارد و اگر از زوایای مختلف آن را بررسی کنیم متوجه می‌شویم فضاوت در مورد آن دشوار است. وقتی می‌گوییم خیانت بار اخلاقی منفی می‌دهیم. من سعی می‌کنم موضوع را این‌طور نبینم. وقتی می‌خواهم بنویسم به موضوع فکر نمی‌کنم مثل خواب دیدن است نمی‌دانم چطور خواب می‌بینم. یک چیز می‌آید و به آن فکر می‌کنم و می‌نویسم و بعد که بازنویسی می‌کنم روی آن آگاه هستم، اما در مرحله اول خیلی ناخودآگاه است. اما به یک چیز آگاهم هنوز نمی‌دانم برای اینکه بفهمم یک رفتاری درست است یا غلط میزان چیست؟ آیا دین است؟ آیا قانون است؟ آیا وجدان است؟ در دنیای مدرن این سؤال است. این سوال دنیای مدرن است.

منبع / خبرآنلاین

برچسب‌ها: [سینما](#) [1]